

نبوده اند یک نفر سر باز و دو نفر از اجام و او با شش غیر مشهور بودند و نحو او و سایر طلبات از آنجا
 است و او در بعضی جاها تسلیم نمود (دیگر نوشته اند صادق نام و نحو ارقانی که از جمله مشهور
 مشهور و بکرات مرکب قتل نفس و شرارت های دیگر شده بود و بقطع المطرف یعنی مشغول بوده بود
 قلاتی نیز که میزد و چند وقت پیش ازین دستگیر شده چون از در توبه و انابت در آمد و علی الظاهر
 تارک اعمال ناشایست گردید و جمعی از مجتهدین و علمای اعلام نیز شجاعت او را نمودند لهذا توارک
 رکن الدوله او را مخلص نمودند و در این اوقات باز در سکو و نحو ارقان بنای شرارت و هرگز
 گذاشته و امانی آن صفحات از دست او عارض و شاکلی شدند چون معلوم بود که ماقصای شرارت
 ظری دست از هرزگی برخواستند و داشتند لهذا تواتر معزی الیه در خفیه چند نفر غلام را مانور کردند و
 اینکه کسی خبردار شود مانورین علی القصد او را گرفته حسب احکام تواتر معزی الیه در خان میدان سکو
 عبره لکن نظیرین سیاست و شرای اعمال ناشایست خودش رسانیدند **خراسان**
 از قریکه در روزنامه خراسان نوشته اند امور انولایت از توجهات اولیای دولت علیه قرین
 و انتظام است و امور شهر و محلات ارض اقدس منظم و مضبوط است (تواتر اشرف و التا
 حاکم السلطه سلطان مراد میرزا و الی خراسان که با عساکر نصرت ماثریه قنیه و کوشال کشان
 و اشرف ترکانیه حسن نشین مانور بودند و جماعت ترکانیه از غنیمت قضای غنیمت تواتر معزی الیه
 مجبور و مستحضر شده سرخس را خالی و از آن حد و در رفع بدکالی کرده رفته در مرد و حصاری شده
 بودند تواتر معزی الیه نیز آنها را تعاقب کرده با لشکر فیروزی اثر مجامعه آنها قیام و اقدام کردند
 اگر چه با شوکت و صوت لشکر منصور صفت عجز و استیصال و اثر خفت و استیصال از صفی احوال
 و امان آن مجادیل روشن و هویدا بود ولی با استظهار مراتب حصار و شدت سرما و قلت آذوقه
 قشون ظفر نمون و ضلالت بی شمار چندی پایداری کردند ولی دیدند در برابر لشکر قیامت اثر
 پای ثبات نشدن با اقبال بسوی یعنی و هناد با مال و محقق و مشکوب جنود ظفر نمودند و خواهند شد
 خود را از غمات ضلالت و خسران باطل نجات و غفران کشیده کردن بر بقعه اطاعت و تقیاد
 نهادند و از در استیجاب و استسلام درآمدند تواتر معزی الیه نیز بمقتضای مکارم شیم و معانی مهم
 برفتن کردی و حصول الجنان از فدویت و خدمتگذاری آنها از سر قنیه و سیاست آنها در
 و وارد دادند که کردی معتبر بشهد مقدس بیاورند و بعد ازین از در خدمت و اطاعت در آیند
 و دد لول توپ نیز از آنها گرفته عطف عنان بغیر هزی و اقبال بمقر حکومت خود نموده با عساکر منصور در

۲۵۶۲

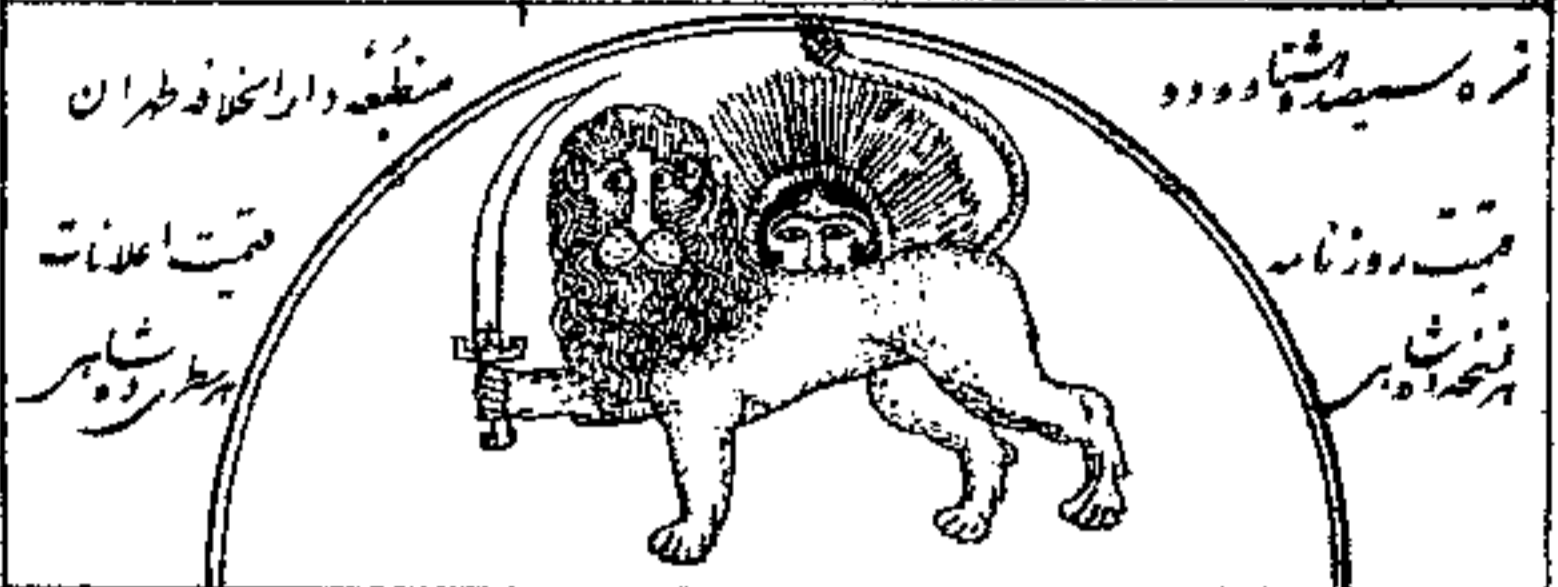
رمضان المبارک وارد ارض اقدس و مشهد مقدس گردیدند اخبار دول خارج
 که از روزنامه های خارج ترجمه شده نوشته میشود از قراریکه در روزنامه
 اسلامبول مورخه بتاریخ ۱۸ شعبان نوشته اند از کشتیهای بخار قومپانیه فرانسه که مابین
 و فرانسه آمد و رفت میان بند یک کشتی بخار از قیروز نام در محتل موسوم بکراسون بسنگ خود
 و سگته و عرق شده و کدارش او را در روزنامه های سابق نوشته بودند بموجب این روز
 که بعد رسیده است کشتی مزبور در ششم بارت ماه سبده و بخار نفسیاج و بعضی اشیاء
 تجارنی حمل نموده از طرا بزان حرکت کرده با اسلامبول می آمد بجل کراسون که رسید در ساعت
 نیم ساعت بسنگی که در نقشه ماضی بود خورده شکست آب شروع کرد بدرون آن آمدن
 پاشای طرا بزان مطلع شده فی الحال از کشتیهای جناب الهامی پاشا که در چنگاه طرا بزان
 بودند یک کشتی بخار و ستاده سیاحتان کشتی سگته را با اوراق پوسته خانه با اسلامبول
 و اشیاء تجارنی را بجل سلامت بیرون آورده است (دیگر از قراریکه در روزنامه های سابق
 نوشته بودند در شهر تورین که مقر حکومت دولت ساردنیه است چند نفر اشخاص متقلب دول
 کاغذی دولت عثمانیه را که اسکناس و قانده مینامند تقلید کرده قلب زنی نموده بود و سفارت
 دولت عثمانیه مقیم تورین از کدارش مطلع شده بمعرفت حکومت آنجا فرستاده آنها را با الاله
 موجوده که در دست داشتند گرفتند و در مقام اسکناس احوال آنها برآمدند و اوراق قلب که زده
 بودند ظاهر شده سه هزار و شصت عدد اسکناس که قیمت هر یک ده لیت فروش و صد و صد و
 فروش میشد زده بودند از قرار روزنامه ساردنیه این اشخاص را که از ان دولت تسلیم
 عثمانیه مقیم تورین نموده اند) (دیگر نوشته اند که از اهل هنر و درایت بودن امانی چین مشیج فون
 بودن چین و هند از مسائل مسلم است ولی بجهت عدم اختلاط و آمیزش اهل فرنگستان با اهل چین
 بهرجائیکه کسب فنون متنوعه اهل چین تاکنون درست مستحضر نشده و کسب اطلاع نموده بودند در این
 اوقات از امانی کشتیهای انگلیس که در کانتان چین گن و با امانی آنجا اختلاط و آمیزش کرده
 معدوماتی که نموده اند این است که هنروران چین در چهار هزار سال قبل ازین کره ارض بر آستانه
 بر اصول و بیانات جدید کشف و تحقیق و صنعت قیات و تقیق را تحصیل نموده و سه هزار سال قبل
 علم کشتی را ندان در دریای اید کرده اند و دو هزار و پانصد سال قبل ازین به اختتامی کره ارض که
 مابین قطب شمال و جنوب است کسب اطلاع نموده اند و در این اثنا توپ و تفنگ بار و طرا را اختراع

۲۵۶۳

کرده اند و با فصل در چین اوراق و تاریخ شش هزار سال قبل ازین موجود است (در روزنامه
 یونان نوشته اند که مانند اینکه چهار سال قبل ازین باران سرخی در یونانستان بارید
 این اوقات نیز در ششم شعبان در جزیره موریه زلزله وقوع یافته زمین حرکت شدید نمود
 دوران بین باران سرخ شروع بباریدن کرد و تا مدتی باران سرخ میبارید) (از قراریکه در
 روزنامه فرانسه نوشته اند چنانچه اغلب دولتها نفوس موجوده تحت حکومت خود را سرشماری
 کرده اند درین اوقات نفوس موجوده نفوس شهر پاریس که پایتخت فرانسه است از جانب
 دولت فرانسه سرشماری شده که در حدود هشتاد و چهار هزار کس ذکر و اناست لایم
 آمده اند و از اینها هشتاد هزار کس فقیر و بی چیز هستند که در روز چهارشنبه (چهارشنبه)
 پیش آمدن و ترقی کردن صنایع در فرنگستان از باب صنایع و ایما تصنیفات و تصرف
 تا این خود را بیکدیگر ظاهر می سازند از جمله در روزنامه فلنک نوشته اند که استادان کارخانه
 کاغذسازی فلنک انواع کاغذها که از قشام بسیار ساخته بودند در این اوقات در علمای
 وضع نمودند که مردم آمده تماشا نمایند و از صد هشتاد و چهار نوع بسیار کاغذ
 بودند) (دیگر نوشته اند در سینی نام سر کرده آن شخص که قصد علیحضرت امیراطور فرانس را کرده
 بعد از آنکه دستگیر دولت فرانسه شده بقتل رسید سببه اینها بود و نش بعضی از امانی ای
 از فوت او اظهار تاسف و طالت میکردند در این اوقات خیلی اشخاص از امانی معروفه
 درین باب اتفاق کرده و تقریر داری او را بر ملا نموده و لباس سیاه پوشیده اند و در
 بسم او پولهها بدل کرده اند حتی در شهر میلان که مقر ایالت لومباردیاست اکثر صنایع
 و کالین خود را بسته و اظهار حزن و ماتمف و ترک اختلاط کرده اند و زمان شهر نور صورت
 ترسیم کرده سببه افتخار او بره کردن خود نموده اند اعلانات و دیوان مضاحت خیانت
 حکیم قاضی را با منتجات غریبات میرزا عباس فروغی نواب هزاره ازاده جلال الدین میرزا در
 جمع و تصحیح و لغات از ادو حواشی توضیح نموده و چاپ کرده اند در سبز میدان در دکان حاجی
 بلور فروش فروخته میشود هر نسخه چهار تومان قیمت کتاب و ده سی حق السعی حاجی مشارالیه است) (چند
 خیمه سفری و فرش و نمد و قالیچه و تخت و صندلی و لباس و کتب و غیره در یوم جمعه ۱۴ سوال
 در محله بازار در منزل مانوچی صاحب فارسی که باین سفارت خانه دولت بهیمه نکلیس و مسجد حاج
 صفح علی واقع است هرج میشود و هر کس طلب با در روز مبرور بید ظر با پنج برود

۲۵۶۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یکم خرداد سنه ۱۳۰۲ و هم شماره شوال المکرم مطابق بپانزدهم شهریور



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلاق طهران

چون نواب اشرف و الارکن الدوله در شهر میرزا حکمران آذربایجان در تنظیم و تنسیق امور مملکتی و تصدیق حکام دولتی و تحصیل موقوفات اعیان و اسودگی عیبت مملکت آذربایجان تقدیم اتهامات کافیه نموده مرهم کفایت ساخته بود از جانب شیخ ابوالحسن ایوبی علی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و شوکت باطنی یک قطعه شان از مرتبه اول امیر تومانی و یک رشته حایل سبز و قرمز که مخصوص آن درجه و بکتر تومان علاوه بر امیر سزاوارنده فرمان مبارک شرف صد دریافت) (چون موافق سلطان مقرب انخافان میرزا فضل الله پسر غیر نظام در اموریت مملکت آذربایجان خدمات شایسته نمایان تقدیم کرده علاوه بر نظام مهات کفایت مملکت نظم قشون و مسرحدات در وصول و ایصال بقایای ایالات دیوان و توفیر ما لوجهات میران مساعی مشکور و مجاهدان موفوره مرعی و اشد محاسن خدمت و کفایت و کاروانی خود را بطور اکل حسن بطور رسانیده بود و لیدر برای سزید مفاخرت و امیدواری او موازی یک قطعه شان از مرتبه اول امیر تومانی و یک رشته حایل سبز و قرمز و یک نوشته زمه شمه مرصع که از تشریفات مخصوصه خاصان دربار کرد و مدارها بایون است مرخص شده از رکاب سزید مرخص کردید که معاودت با آذربایجان نموده مشغول انتظام امورات آنجا باشد) (چون مقرب انخافان میرزا مصطفی قلی مستوفی دیوان و پیشکار محاسبات آذربایجان در انجام خدمات مخوله بخود و تنفیج و تصحیح حسابات و وصول و ایصال بقایا و ایالات خدمات شایسته بطور رسانیده بود یک قطعه شان از مرتبه اول سزید مفاخرت و امیدواری او موازی سزید مفاخرت و امیدواری او محنت و غنایت که دید) (چون عالیجاه مقرب انخافان محسودخان در دربار کرد و در مشغول حدنگذاری دیوان اعلی و انا کفایت و کاروانی

۲۵۶۵

از ناصیه حاش پداه بود از جانب سنی ابجانب همایون منصب سیرسی سر او از شده فرمان مبارک
 شرف صد دریافت و بکتوب چیه ترمه برسم خلعت مرحمت شد (چون مقترب الخاقان عین الملک
 همواره اوقات در انتظام دارالظناره و صرفشام و نهرا اقدس همایون بحال مراقبت را بعل آورده و حاج
 اقدس ملکانه را از حسن خدمات خود خرسند دار و خصوصاً در لیالی ماه مبارک رمضان که در اوقات رجوع
 مراقب و مواظب خدمتگذاری بودند درین اوقات بکتوب چیه ترمه کشیری از طبوس خاص بهین مبارک
 حق مقترب الخاقان مشارالیه از جانب سنی ابجانب اقدس ملکانه خلعت مرحمت گردید) (چون برقا
 حال و فرقت بال کافه ظایق که بهین و در بیه حضرت خاندان مسواریه منظور نظر اعلیحضرت قوی شوکت شایسته
 خلد الله ملک و سلطانه است و برای قاطبه مسوولین دار السلطنه تبریکه سواد اعظم است اغلب اوقات
 تسیر مان عسرت حاصل بود و صنف جناب بواسطه جمع دیوانی که هستند سایر مردم را از فروختن نان خان
 مانعت میکردند و این معنی مزید علت میشد لهذا محض رفت از جانب سنی ابجانب همایون فرمان جهانمطامع
 صد دریافت که من بعد صنف جناب از مالیات و مشوحنات دیوانی معاف بوده حکام حال استقبال در بان
 از انضمام مطالبه مالیات نمایند تا موجب فایده ای تبریز باشد و هر کس بخواهد نان پنجه برده در بازار بفروشد
 (چون در ارض راه آذربایجان افخته تا تبریز پاره از فقر و ضعف که با مرض مزمنه صعب العلاج گرفتار بودند
 شده اند و از آبادی آنها را بیرون نموده کداهها خانه ساخته و شکدی و سسوال محاشس بنمایند مراتب و حاج
 مبارک معروض افتاده حسب الامر قدردار اولیای دولت علیه مقدار و لیست خروار کند هم بصیغه مستمری بپوشید)

۲۵۶۶

در باب آذربایجان در باب خدمت

در حق آنها رحمت و برقرار فرمودند که با شترین دیوانی همساله با آنها قسمت نموده عاید سازند که موجب رفاه
 حال آنها شده به عای دوام دولت جاوید است اشتغال نمایند) (چون انتظام امور عساکر حضرت با اثر از
 امور دولت علیه و اهم هم نام شوکت سینه است و از قرار یک بعضی اولیای دولت علیه رسید رو و سپهر
 و سرینکان و صاحب منصبان افواج قاهر بعد از مراجعت از اسفار و مرضی خانه پاره از سر باران را که در آنها
 مشق کرده و از قواعد نظام بلدیات حاصل نموده در موزجنگ آباد گرفته اند برای جلب نفع خود اخرج کرده در حق
 آنها سرباز جدید میگیرند و حین احضار و تکام مشق چون از قواعد نظامی ربطی ندارند بکار خدمت نمی آیند
 بهی است هر سه بازی تا وقتی که از مشق و رسوم جنگ و نظام ربطی حاصل کند لا اقل یکصد تومان از
 دولت باید خرج او شود از این قرار در هر سفری از هر فوجی دولت و سیصد نفی تبدیل شود خسارت
 ضرر آن برای دولت چه قدر خواهد بود لهذا حسب الامر قدردار معزز است که روشا و صاحب منصبان

افواج اذن ندارند بدو عرض باولای دولت علیه یکنفر سرباز اخراج و تبدیل ثنایه چنانچه سرباز
اگر متوقفا و معتول بهم برسد صورت سهامی آنها را بنظر اولیای دولت علیه برسانند و حکم صادر کرد
در عوض آنها سرباز رشید کار آمد پادار بگیرند و در وقت احضار سرباز جدید را آورده در حضور
دولت سان بدیند و در افواج اگر پرسوسن و معیوب و زخمی و درین پیدا شوند که کار خدمت از آنها
نیاید آنها را هم بختور اولیای دولت آورده عرض نمایند و حکم اخراجی صادر کنند بعد عوض آنها را هم گرفته
داخل فوج کنند اگر بخلاف این حکم رفتار نمایند مورد سخط و سیاست ملوکانه خواهند شد از جمله افواج
آذربایجان که رشیدترین افواج قاهر هستند باید رؤسا و صاحب منصبان افواج مذکور در این باب
اتهام را اهل آورده سخط نوزند از آنجا که موتمن سلطان مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام
بوجود صداقت و دولتمداری در خاکبای مبارک معروف و موصوف است و برات کفایت و کار در
او و ثوق کامل دارند حسب الامر مرخص و باذونست از سربازان افواج آذربایجان هر یک را که پیشتر
بمصرف بر انداخته کرده در عوض آنها سرباز رشید پادار بگیرند (چون انتظام امر بدو تیریز
همواره منظور نظر اولیای دولت قاهره بود لهذا مقرب الخضره العلیه میرزا فضل الله نایب
باشی که بود کفایت و کاروانی حسن سلوک موصوف و معروف بود منصب پسر پسر پسر پسر پسر
نموده خلعت فرمان مبارک بر حمت شد که از کاتب این مرخص و روانه تیریز شود) (از قرار که بعضی اولیای دولت
رسید غلامان بطنی و دود عراده توپ و تفنگی سیر کردی عالیجا محمد باقر خان پسر میرزا امیر اعظام شیک قاسمی ماسی که پیشتر
که زوار و قافل و ستر دین را بدو رسیده از بیظام مزینان برسانند در این روزها مقرب الخاقان حاجی قوام الملک
سایر زوار را که بزیرت ارض انیس میرفتند از بیظام مزینان رسانده مراجعت نموده بودند اتفاقا با عین
و بیادشت بسید سوار ترکان که بلوک بیار چند رانحه و مال و اسیر زیاد پیش کرده میردند بر خورده نگاه
محمد باقر خان با تفنگی سواره و پیاده و دود عراده توپ سواره ترکان را تعاقب کرده بقدر شست فرسخ زود
کرده تا به چشمه مشهور بختور رسید رسید بودند ترکانان تاب مقاومت نیاوردند هیچ نفر از آنها
دشت نفر دستگیر شده مابقی دست از مال و اسیری که میبردند برداشته برزیت را غنیمت شمرده
فراری شده بودند و نامورین مال و اسیر را تمام بر گردانده چون راه دراز برد و خورده پیوسته
بسیار کسیده بودند و ترکانان نیز بعد از آنکه دست از مال و اسیر برداشته جمیده و سبک بار
فرار نمودند چندان فایده در تعاقب آنها متصور نبود لهذا نامورین نیز دست از تعاقب آنها برداشته
مراجعت نموده مال و اسیر با جمعی اسالما آورد و بجانان تسلیم کرده اند

۲۵۶۷

اذربایجان

از قرار یکد از خوی نوشته بودند امورا نولایت اخسن مراقبت و اهتمام ب نواب والا محمد رحیم میرزا احکام
 خوی و سلطنت فرین نظام کامل است و خود بنفسه ب امور رعایا و براب و نظم شهر و محلات و طرق و
 شوارع و انضباط سرحدات رسیدگی می نمایند و کاشندگان و مائورین نیز نظربکال مهربان نسبت
 معزی الیه بچیک از خدمات مرجوعه ب خود تعافل ندارند (دیگر نوشته اند حجاج بیت الله الحرام که در
 از امالی عراق و اذربایجان جمع شده بودند از سال نوزدهم شهر شعبان المعظم شروع به بیرون رفتن خوی
 نمودند امالی نوزدهم شهر نور ماه تا از خوی بیرون رفتند از راه ارزند الروم عازم کوه موطنه گردیدند
 (دیگر نوشته اند که از اول ماه شعبان تا بعد از انقضای مئی از عهد تور و پارتی در آن ولایت می شد
 و بعد از آن چندی در اصل فصل و سوم که موقع باران بود قطع گردیده و مردم فی ابله در تسویش افتاد
 بودند تا اینکه از فضلات باری تعالی درستم شهر نور سحاب رحمت مترکم شده و شبانه روز
 بارندگی کامل شده تسویش مردم رونق گردید) (دیگر نوشته اند که شخصی در خوی در بجزو بنای وقت
 از خانه های مردم که امشته و بهر خانه بهمانه درآمده بقدر مقدور از زخوت و سینه آلات هر چه
 می آمد صاحب خانه را غافل کرده بستر نیمه بود و غلش محلی بود تا این اوقات در سرفت و سبک
 بحضور نواب محمد رحیم میرزا آوردند چنانی از اسباب مسروق مردم که پرورد ز زدیده و موجود بود
 ز او سرود و بصاحبش تسلیم شده او را تنبیه و سیاست نمودند) (دیگر نوشته اند که مراد علی
 شاهسون ابر که بقطع طرق مشغول بود نواب صاحب بزراد چشم و الا بتار بکن الدوله علیه حکمران مملکت اذربایجان
 بنواب محمد رحیم میرزا نوشته بودند که مشار الیه را بدست آورده روانه تبریز نمایند نواب معزی الیه خود
 علی القدر سوار شده و سلطنت زفته او را دستگیر نموده مجبوسانجوی آوردند که روانه تبریز نمایند) (دیگر
 نوشته اند که نواب والا اکبر میرزا حاکم نولایت در نظم امور آنجا و رفاه حال رعایا و رفع
 سرفت و شرارت اتهامات وافی بعمل می آورند و سرفت بندرت اتفاق می افتد و اگر مالی بسرفت بود
 با بنام نواب معزی الیه پیشه بصاحبش تسلیم میکرد و از جمله حاجف نام بر آتشب فراموش کرده و در
 دکان خود را بسته بود از قرار تقریر مشار الیه بقدر کفایت نومان اجناس او را شب از دکان برده بودند
 نواب معزی الیه دار و عه را احضار کرده و قدغن نمودند که یاده روزه اجناس مسروق را پید کرده
 بصاحبش تسلیم نماید یا خود از عهد برآید و مشار الیه نیز در تقصیر و سبب بوده است که سارقین را بدست
 بیاورد و هنوز بدست نیامده بودند

۲۵۶۸

عربستان

مذکور که در روزنامه عربستان نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا شاهرخ مستطاب
 حکمران عربستان و ارستان و بر وجود و بختیاری که سبب انظام امور عربستان بحسب
 و در فوول حرکت نموده بودند امور الصنعت را خیر بجز وقت و رسیدگی نموده و در هر
 مواد نظم کامل چنانچه باید داده اند بعد از ورود بوشتر مقرب انخاقان حاجی جابر خان میرج
 بجهت رسیدگی بامور محاسبات سند ماضیه و قرار کار و دستور العمل بده پس بوشتر
 نمودند تا فرغت مقرب انخاقان مشا را الیه از امور محوله بجز دو بخش مجمره آقا سید اسمعیل محمد
 نواب معزی الیه که آدمی کافی و کار دان بود حسب حکم نواب معزی الیه بامور مجمره گردید که امور
 انولایت را منظم داشته و سان نوکر انجار نیز به بند مشا را الیه نیز حسب ماموریت خود پس
 از ورود بانشا کارهای انجار انظم داده و سان نوکر بلوچ و عرب خلوا انجار را بدقت دیده و
 سان آنها را بجز نواب معزی الیه فرستاد که بجهت اولیای دولت علیه روانه نماید و در سر
 و مکانها از طرف عربستان وجه از طرف شط العرب و غیره همه جا مستحفظ و فوول گذا
 و مشغول انجام خدمات محوله بجز بوده اند و نواب معزی الیه در وقت موشتر اول بامور
 مقرب انخاقان حاجی جابر خان میرنج و شیخ ملک شیخ فارسی خان حاکم حبیب و شیخ محمد خان
 حاکم مجمره رسیدگی نموده و قرار کار آنها را داده و همه را با اعطای شال و جبه کشمیری و کرمانی
 و شمشیر و غیره و پیران و نوبان آنها و بعضی از اعزّه و اهل انولایت را با اعطای علاقه و
 مستمری خوشنود و بوالطف اولیای دولت علیه امیدوار ساخته مقضی المرام بجان ماموریت و
 حکومت خودشان مراحت دادند و بعد از آن بامور موشتر و در فوول رسیدگی نموده عمال
 و مباشرین انجار را خواسته و قرار کار و دستور العمل هر یک را تحریر و تقریر داده سفارشات
 بلویه نسبی بر رعایت رعایا و رفاه حال آنها نموده و در باب آبادی ولایت و جزا آنها و غیره
 اهتمامات آنیده نموده چنانچه در ایام توقف خود بر آتشوق آنها فرستاده بجهل قاطرانچی قلده انار و
 انکور آوردن لصاحبان باغها دادند که غرس نمایند باینجه بعد از قرار کارهای موشتر عمال و مباشرین
 انجار را نیز بجان بجان منقطع نموده شال و جبه و شمشیر اعطا کرده و از امور انجار اهنه حاصل نموده از
 موشتر بحسب و در فوول حرکت کرده و از در فوول شدند و چند روز در فوول برای قرار کار
 و مستحفظ طرق و شوارع انجار توقف داشته بعد از آن بحسب ارستان حرکت فرمایند

۲۵۶۹

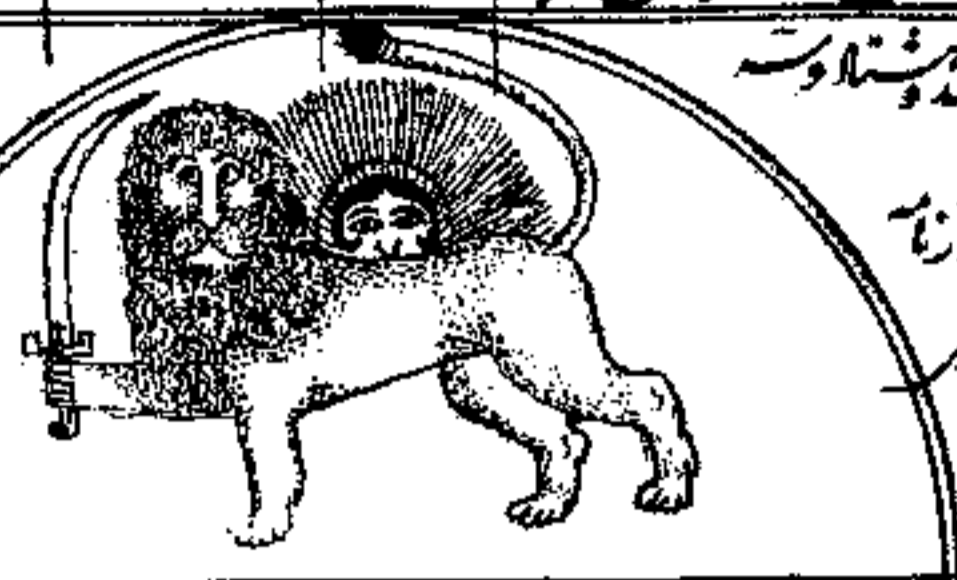
اجبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارج ترجمه شده و نوشته شود
 از بلجیجان ایالت فرانسه که در یکی دینا ساکن است بعد از نقل و اعدام اورسینی نام که قصد اغلیحضرت
 امپراطور فرانسه را نموده بود در یکی دینا عقد انجمن صورت نموده و بجهت ترویج نام اورسینی مزبور با
 موزیکان در ورون مملکت گردش کرده و شبها افشنگ می انداختند و از جانب مجسمه جمهور
 اصلا ممانعت آنها را نکرده اند (دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند در نهما و اطعمای بالوبالاست
 و ایام صید می نمایند و ماهی در اینجا به رجه کم یابی رسیده از جانب اغلیحضرت امپراطور
 اعلان شده بود که هر کس تدبیری در از یاد ماهی نماید با او امتیازات مخصوصه از دولت
 خواهد شد در این اوقات شخصی قطعه نام از هنرمندان فرانسه تدبیری کرده است که از تخم ماهی
 بدون تولید از ماهی حاصل می نماید و اثبات مدعی خود را نموده این تدبیر او بسیار شایان
 و سخن افتاده و او را اگر امانا بشری دار القنون مضموب نموده اند و اغلیحضرت امپراطور خود
 به دار القنون برده و القنات زیاده بار الیه نموده اند) (از فرار روزنامه شهر استو و غا
 که مقرر حکومت ملکبورت است اکثر اهالی فرنگستان قبل از وفات خود وصیتیهائی که بنحاطر کسی
 نماند که بعد از فوتشان مجری شود چنانچه چند پیش ازین در فرانسه شخصی وصیت کرده بود
 که بعد از فوتش هفت یک فقه اصحاب طرب در سر مزار او رفته ساز بزند و خیلی وجه نقد از مال خود
 بجهت مصارف این کار وقف کرده بود درین اوقات نیز در شهر استو غار و شخصی از ارباب ثروت
 و سامان در یکب بعضی چیزها گذاشته و سرش را مهر کرده و بصدوقخانه ملکی سپرده و وصیت کرده بود
 که بعد از فوتش از زمینهای شهر استو غار و هر زنی که از همه خوشگل تر باشد آن بچه را با و بزند
 بعد از فوت او نوان آن شهر هم بجهت گرفتن آن بچه و هم بجهت شهرت و افتخار و در حسن و ملاحت
 با قصد تفریح شده هر یک تمنا نمود که بچه مزبور با و داده شود و بجهت تشخیص دادن آنها که کدام
 از همه خوشگل تر است تا بچه را با و بدهند دولت ملکبورت یک قومیون تربیت داده است
 (از فرار روزنامه یکی دینا مالک مجتمعه یکی دینا منبع تجارت است و از ارباب ثروت و اقد
 دولت و بیت و هفت هزار نفر تاجر در آنجا هستند چند وقت پیش ازین که در شکستگی و ناامنی این
 تجارت یکی دینا ظهور کرده بود در دول فرنگستان نیز سرایت کرد شش هزار کس از تجاریکی دینا اظهار
 نموده بودند و متجاوز از هزار و پانصد میان فرانس که سه هزار کس و فرانس باشد خلق متضرر شدند بعد
 شد که ازین شش هزار کس هفتاد و چهل و یک نفر از راه خدعه و حیله اظهار افلاس کرده اند و ضرر آنها

از جانب مجتهد سبکی دینا نادیه شده است) (دیگر نوشته اند که از جانب دولت فرانسه در بعضی
 سالها که اسوچره قونسول است در این اوقات دولت فرانسه را داده کرده بود که در شهرهای بال و
 نیز و نفوسول بگذارد و جمهوری اسوچره اعمتی را قبول کرده و جواب داده بودند که بدون قونسول از
 فرانسه درین دو شهر نفوسول ندارد و سبب این جواب از جانب دولت فرانسه تقریر رسمی جمهوری اسوچره
 ارسال شده است باین مضمون که اگر جمهوری اسوچره بدون قونسول فرانسه را درین دو شهر
 قبول نماید قونسول و مأمورین اسوچره که در فرانسه مستند باشی بورت معادفت آنها بمانند
 خودشان از جانب دولت فرانسه داده خواهد شد) (دیگر نوشته اند که بعد از مصالحه عمومی
 اغلب دولتهای فرانکن عساکر زیاد از لردم خودشان را استبداداً از سگ عسکریه اخراج کردند
 از جمله دولت فرانسه نیز بعضی از عساکر برتیه و سجزیه خود را نامتولی معین مرخص و با دطان خودشان
 ارسال نمودند از قرار روزنامههای فرانسه که در این اوقات رسیده است دولت فرانسه تخمین
 این عساکر اخراجی را موقوف نموده از عساکر سجزیه که اخراج کرده بود مجدداً داخل قشون نمودن آنها
 حکم کرده و زیاد نمودن قوه سجزیه خود مبادرت نموده از اینا که موقتاً اخراج کرده بود از سبب کمال
 چهل ساله را اعلان کرده است که داخل قشون سجزیه نمایند) (در روزنامههای سابق نوشته شده بود
 که در ایام چهار صد سال قبل این مابین مالی فرانسه بعضی نزاع و جدال وقوع یافته بود و فرقه
 با هم جنگ کردند لغزاتونام شخصی که بزرگ یک فرقه بود در جنگ سبب شده سبب اینکه از قتل او صرف
 نظر شود الا که و اراضی خود را بخواهد دولت فرانسه و اگر از خود و قاری جان خود نمود مشروط باشد
 بعد از انقضای مدت چهار صد سال با ولاد و اتحاد او در دنیا نمایند بعد از آن در اطلاق و اراضی مرز
 شهرها ساخته شده و منقسم به بیچده ایالت گردید در این اوقات که مدت چهار صد سال است
 بقدر صد و پنجاه خانوار مدعی ادلا بودن لغزاتونام شده از دولت فرانسه مطالبه اطلاق و اراضی
 مرقوم را نمودند و دولت فرانسه توفیق و تحقیقات لازم نموده در محاکمه این اشخاص پیشتر
 بعد از آن از جانب دولت سبکی که در دست آنها بود رجوع شده معلوم شد که اسناد آنها کلاً
 و بی اصل است از آنها تحقیق کردند که این اسناد ساختگی کار که باشد مذکور داشته بودند که با سبکی
 از اهل بلجیقا آنها را توثیق کرده و این اسناد را ساخته و با آنها داده و خبی وجه درازای این کار از
 آنها گرفته است فی الحال فرستاده او را آوردند و از خود او تحقیق نمودند مجال انکار نداشت و آنرا
 که این اسناد ساخته و پرداخته است و جو مانی که این اشخاص گرفته بود از دسترد و بصاحبانش

تسلیم کردید و از جانب دولت فرانسه از قرار که در روزنامه فرانس نوشته شد تا مدت خیال
 حکم بچیس او گردید و او را بچیس نمودند (از جمله رفقای او پسینی که قصد اعطای حضرت امیر اطوار
 فرانسه را گردید یکی هم پسینی نام بود که او را هم نقل رسانند و قیسه مشد را به رالیست گاه
 آورده بودند گفته بود که اگر دولت فرانسه از قتل من صرف نظر نماید و جس موت بکند منشا رواج
 این فساد را برود میدهم و خیلی معلومات ناخوب بیان خواهم نمود ولی بملاحظه اینکه این شخص در حالت
 مانوس و گرفتاری التی دروغ هم بسیار خواهد گفت و مکانی که در خلیت درین فسادند داشته اند
 اقرار خواهد بست لهذا درخواست انجمن استماع شده است (در همین از رفقای او پسینی
 شخصی بهیچ نام از تبعه دولت انگلیس معلوم شد درین فساد بدخلیت داشته و در دولت سار دینه فساد
 و شرارت و عقد انجمن مشورت می نمود و قال دولت سار دینه که بعد از وقوع قصیده اعلیحضرت
 فرانسه قوانین تأویب سیاست خود را مانند اغلب دولتها فرنگستان تغییر و تشدید داده است
 بود از گنگاشس و اراده بهیچ نام مطلع شده بنا بقانون موضوعه خودی بحال فرستاده او را در
 بعد از آن دولت فرانسه منجر شده فرستاده او را از دولت سار دینه مطالبه نمود از قرار روزنامه
 چون بموجب تبلیغات و جواب استواری که مابین دوین فرانسه و انگلیس در باب اخذ تلبیه است
 این معترضین شد بجز از جانب وکلای دولت انگلیس بعد از متفق شدن رای وکلای مت و دولت
 حسب خواه دولت فرانسه روی بواقفت ظاهر شده و از دادند که معترضین بزبورگان نامن کان
 در هر کجا باشد تسلیم دولت فرانسه شوند لهذا دولت سار دینه نیز این شخص را تسلیم دولت فرانسه
 (دیگر از قرار روزنامه که پرسیده که سابقا نوشته بود در فرال دولت پروستیه بجهت علی و غیر
 بودش نواب پرس را که ولعهد است بعد معینی در برلین مقرر حکومت پروستیه بقایم مقامی
 نصب نمود و بعد از انقضای آن مدت چون بحالت صحت نیامده بود مدتی دیگر بقایم مقامی نواب
 مغری الیه معین نمود و آن مدت هم منقضی شده باز مدتی دیگر از قرار روزنامه پرسینی که
 رسیده است بموجب تشخیص حکم اطباء مسئولیت فرال مشارالیه اداره حکمرانی با این حالت ناخوش
 مزاج او محرز و اردو از اینکه زیاد پرسین شده و بحالت صحت اندیش نیز مشکل است و اطباء نیز اسطوار
 از مسئولیت حکمرانی مخالفت کرده اند لهذا فرال مشارالیه از اداره زمان حکمرانی دولت
 بجلی گفت بد نموده و فرالست دولت مزبور را من حیث الاستقلال بنواب پرس مغری
 و اگداه نماید

۲۵۷۲

روزنامه قایم اتفاقیه پنج شنبه هجری ۱۲۷۳ شمسی سوال المکرّم بن سنان پویشی

| | | |
|------------------------|--|---------------|
| منظومه دار اخلای طهران |  | نرسید و نماند |
| قیمت اعلانات | قیمت روزنامه | |
| هر سطر در هر شماره | بر نهمه شماره | |

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دار اخلای طهران

چون در خبر دیده می شود که پادشاه محمول از روی روزنامه غلطه نوشته بودند که برودت و کدورتی که سابقاً با بین دولتیان مجتهدین ایران و انگلیس معرّی بنا رفته و جنگ و جدال و مدافعه و قتال شده و بعد کجاست اتمام اولیای دولتمسین و مرافقت از طرفین موجب بهره جده مندرج و تصحیح و صفا مبدل شده بود این و زمانه باریب عدم ملاحظه بعضی شروط آن از طرف کارکنان آن دولت علیّه ایران و رعایت نمودن مواادیکه و خطبه و مدخله و تصرف ایشان به لاش و جوین بین الدولتین سابقاً انار برودت ظهور نموده است علی بن ابی طالب بیان حقیقت و مشکف ساختن عدم وقوع این کیفیت فقرات آیه مبادرت میشود که فقره برودت ثانوی از اول تا آخر خلاف واقع و بی اصل است از اینطرف آیه ادعای خطبه و سکه در هر آن نشده و لاش و جوین با وجود اینکه جزو قانیات است و داخل ممالک افغان نیست باز با شریک قدیم و گذار شده است و جناب جلالت ناب ستر مور و وزیر مختار وینچی مخصوص دولت بهینه انگلیس معقم در بار دولت علیّه ایران نیز مراتب رضامندی خاطر دولت متبوعه خود و اجرای فقرات عهدنامه صحیح را مکتوباً اظهار داشته است بجهت اثبات صدق این معنی بین گفتات میکند که اولیای دولت علیّه ایران محض بکین و تشبیه و سنی و اتحاد دولت انگلیس از تمام وسیع ممالک افغان که عهد در تحت تصرف حق پادشاهان صفویه انار الله بر ما نهم بوده و وزیر نادر شاه مغفور بر وفق معاهده مجد و با محمد شاه پادشاه مستقل هندوستان تا نگید الله تعالی ممالک محروسه ایران صمیمه و لاحق گردیده بود صرف نظر نموده بخودشان و اکتفا داشتند و از بهرات که

۲۵۷۲

پای تخت قدیم خراسان و کلیه حقوق و بنجارا و ممالک ترکستان بود و اقل منفعت نگارهای این
 سه راه تطاول و چپاول طوائف ترکمان و سهو ضبط عنان تهور و ترویشان و اسودگی
 و متردین ممالک خراسان بود صرف نظر نموده بعد از استیلا و تسلط کافی تحلیه و بلاخط مریدان
 دوستی قدیم این دولت قویم حساب کثیر و خود را از آنجا بخراسان نقل کرده گفت بدینود پس از قبول
 اینچنین فقرات معظمه و محافظت و رعایت لوازم دوستی دولت فخریه انگلیس در سیکونز مواد و غیره حکم
 مستور میشود که اولیای دولت علیه پائی برخی خرباشد در تحویل شروط و مصالح خود داری و اغفال
 داشته در اجراء امری که بلحاظ دوستی دولت فخریه انگلیس خود صلاح و جواب دیده اند لعل و اقبال
 باشد تا چه رسد باینکه مقام ترتیب سیاه پرودت متحد آیند کسی که باعث نشود طبع اینگونه فقرات
 بی اصل منطبقه در غلطه شد است بالتحقیق از حقیقت بی خبر و با طالب شور و شریک خواهد بود و این
 (جناب قضایان آقا میرزا ایشم که چندیت در دربار جاپون اقامت دارد در این اوقات
 موقفا اذن مرخصی حاصل نمود که چندی رفته در تبریز بجا آمد و بحال خود سرگشی نموده معاودت بدین
 جهاندار نماید) و همچنین مقرب الخاقان جعفر علیخان قزاق داعی میرسخ که بعد از معاودت از کرمان در
 دارالخلافه متوقف بود با اتفاق جناب مؤتمن سلطان مقرب الخاقان وزیر نظام و غیره روانه آمدند
 شد (چون عالیجا میرزا نصیر که خدایاشی سابق تبریز در انجام خدمات تجوله خود آثار کفایت ظاهر شده
 بود لهذا درین اوقات حسب الاشارة العلیه اولیای دولت قاهره او را منصب مستوفی گری اوزبک
 بوجوب فرمان مصلحان سرفراز فرمودند) و همچنین نظر بدینکسی عالیجا میرزا سحر و سپهر حاجی
 میرزا کاظم تبریزی درین اوقات بکده خدائی محله نوبر تبریز سرفراز گردید (چون نظام این
 شاهسون شکیب لازم بود نظر بطور مراتب شکیبکی و وفور قابلیت عالیجا عزت و سعادت سرفراز
 شاهسون شکیب سرفراز شده خلف و فرمان مبارک مرحمت شد) (امیر الامراء العظام مقرب الخاقان
 امیر اصلاخان عبد الملک حکمران دارالمرزکیلان که موقفا بدین بار جاپون احضار شده روز شنبه یازدهم
 وارد شده بعد از شرفیابی خدمت جناب امجد ارفع اشرف دام مجده العالی جناب جلالتاب نظام الملک
 اشرف آستان بوسی علیحضرت امیر حسن جاپون شاهنشاهی ابد الله ملکه و سلطان فایز و مشرف گشته مورد
 و نوازش تهنیت و کاه گشت) (جناب جلالت لصاب سیراچکوف که سابقا از جانب دولت روسیه
 درین دربار ابد قرا منصب شایسته و فوری اقامت داشت و یکسال متجاوز است بدین بار در دولت مشغول
 خود رفته بود از فرار اجبار دولتی که باطلاع اولیای این دولت علیه رسیده منصب وزیر مختاری اوچی
 در

۲۵۷۲

مخصوصاً مورد دربار دولت علیه شده از دار السلطنه بطرز بزرگ در شرف عزیمت بوده است اولیای
دولت علیه مقتضای مودت حاصله بین الدولتین در رتبه تعیین معاندان بارتبه ایشان و تمسب
پذیرائی جناب سنی الیه سپاشند) و همچنین جناب مجدت و نبالت سمره امیر لاجوردی که در
غیاب جناب سیواچکوف منصب شاردن فزری موقتی در دارالخلافه مقیم بود و در مدت اقامت خود
باقتضای بستی و بسکی فطرتی که داشت اولیای دولت علیه را در رسم خیرخواهی جانین بمسلاح
ذات البین از خود راضی و خوشو میداشت این اوقات از جانب دولت متبوعه خود منصب قونول
جزالی مصر نامزد و منصوب آمده است روانه است روز سیزدهم این ماه بعد از طاقات و تودیع با جناب
اشرف امجد ارفع صدر اعظم دام مجده العالی بشف حضور باهر التوراقدهس بمایون اعلیحضرت
شاهی ایالات سلطنه مشرف گشته مورد تفقدات مومکانه گردید و نیز چون بسبب مودت و صفائی
که باین دو دولت برقرار است انجا رتبستی نسبت بسفر اندولت لازم میسرود لهذا یک زوج
سپارتمار اعلی از جانب سنی انجانب بمایون در وجه جناب مشارالیه جهت عنایت شده
جناب سیواچکوف کی جناب مجدت سمره امیر بیکر که نایب اول آن سفارت بود از جانب
دولت خود بصفت شاردن فزری موقتی تا هنگام ورود جناب هلالت لصاب سیواچکوف وزیر
مخاران دولت در خدمت اولیای دولت علیه و حضور باهر التوراقدهس اعلی معرفی نموده برقرار
داشت و روز جمعه چهارم از دارالخلافه الباهره بجل سیداق شیمان خود رفته که از آنجا روانه شود
و از جانب اولیای دولت علیه عالیجاه امیرز عباس خان غلام پیچمت سمت معانداری سمره
جناب مشارالیه روانه تا سرحد خواهد بود) (عالیجاه مجدت سمره امیرزا یوسف خان کارپرداز
دولت علیه مقیم حاجی ترخان از آن مدت که توقف و مأموریت در آن بلده دارد تمام مترقی
و تجارت دولت علیه نهایت ضامندی از حسن سلوک و خوش رفتاری عالیجاه مشارالیه دارند
چون در بلده مزبور مسجد درست و یکدک حسینیه جهت نماز کردن و تعمیر داری طایفه مسلمین بنوده است
عالیجاه مشارالیه باذن و رخصت وکلای دولت بپتیه روستی بانی مسجد و یکدک در آنجا گشته
از خود تنخواهی داده و تجارت دولت علیه نیز امداد کرده در محل مسلمانان مقامی و مکانی را تعمیر
کرده اند که رسم مسجد است و رسم یکدک نقشه و شکل بنا ساخته و فرستاده بودند از آنجا
خوشکل و خوب و در مکان مناسب اتفاق افتاده است و از اتهام عالیجاه مشارالیه قریب با تمام
و تجارت دولت علیه خواه مقیم حاجی ترخان یا متوقفین سایر ولایت مالک رسته هر کس بقدر قوه تنخواهی

۲۵۷۵

هر تمام آن بنا داده و فرستاده اند بشار الله تعالی عنقریب با تمام خواهد رسید و از آنچه تمامی
 مسلمانان و تبعه دولت علییه که در حاجی ترخان مستند و مرده دارند شکر گذارند و از بانی
 باعث نهایت رضامندی دارند بحق کار گزاران دولت پدید روستیه درین عمل که باعث رونق
 آمدن مسلمانان در آن بد است بحال دوستی را رعایت نموده اند و کار نیز از خود ظاهر ساخته
 (دعا لایحه مجدت و فحاشت بسراجه خیرال خائف که سابقا در دار السلطنه تبریز از جانب
 دولت پدید روستیه منصب فونول خیرالی داشت چون شخصی صاحب فرست و فطانت
 و با علم و اطلاع است و همیشه طالب و راغب تحصیل علوم و فنون غریبه می باشد در این اوقات
 غنیمت سباحت صفحات خیران نموده با چند نفر دیگر عازم مقصد گردیده اولیای دولت
 علیه بکام و مباشرین عرض راه و آن صفحات سفارشات پلینه در کمریم و توقیر شد در ایله و
 همراهان او فرمودند) (از غریب امور در صفحات فارس نوشته اند که در میان بیانات
 چند رئیس بجز پیدا شد است که گوشت کو سفدای مردم را مانند سگ می خوردند و مردم
 از اطراف نیشابور آنها را قذازت شای انکالت تعجب میکردند) (دیگر نوشته بودند
 یکی از دهانت که در یک فرسخی شیراز واقع است جمعی از رعایا با هم نشسته بودند و صحبت
 میکردند یک نفر از رعایا را از راه شوخی مخاطب کرده گفته بودند که زن تو کارش معیوب است
 و برای خود رفیق بیکر و آن شخص از آن مجلس برخاسته و سجان ز رفته زن خود را گرفته
 و در صد و قتل او بر آمد و بود ضعیف چاره چند آنکه عجز و لایه کرده و گفته بود که این حرفها در
 و از راه شوخی و استهزا با تو این سخن را گفته اند شوهرش قبول نکرده و او را بزجر و صد
 بقتل آورده بود و ضعیف مقوله مادر پیری داشت شیراز آمده در دیوانخانه عارض شده
 عالیجاه حاجی محمد ششم خان دیوان یکی فرستاده قاتل را آوردند و او را تحقیق نمود
 خود اقرار بقتل ضعیف کرده و خود را بدیوانی زد مراتب بعضی نواب مستطاب موندالدوله
 رسیده و قاتل را حضور آوردند بعد از تحقیق ثانوی و اثبات مطلب حکم نمودند که او را بد
 مادر ضعیف مقوله بپزند که قصاص نماید پیره زن عرض کرده بود که میخواهم بدست خود سر
 او را ببرم تا تسلی قلب من بشود و استعدا دارم که دستهای او را بسته من بسیار بندوبست
 معزی الیه نیز جیب استعدای مشارالیه حکم کرد دست مقول را بسته با دست و پیر و ند ضعیف
 خوابانده مانند گو سفد سر او را بریدند و از خوش خورد و بروی خود با دعا کرده بجا رفت

۲۵۷۶

خمس

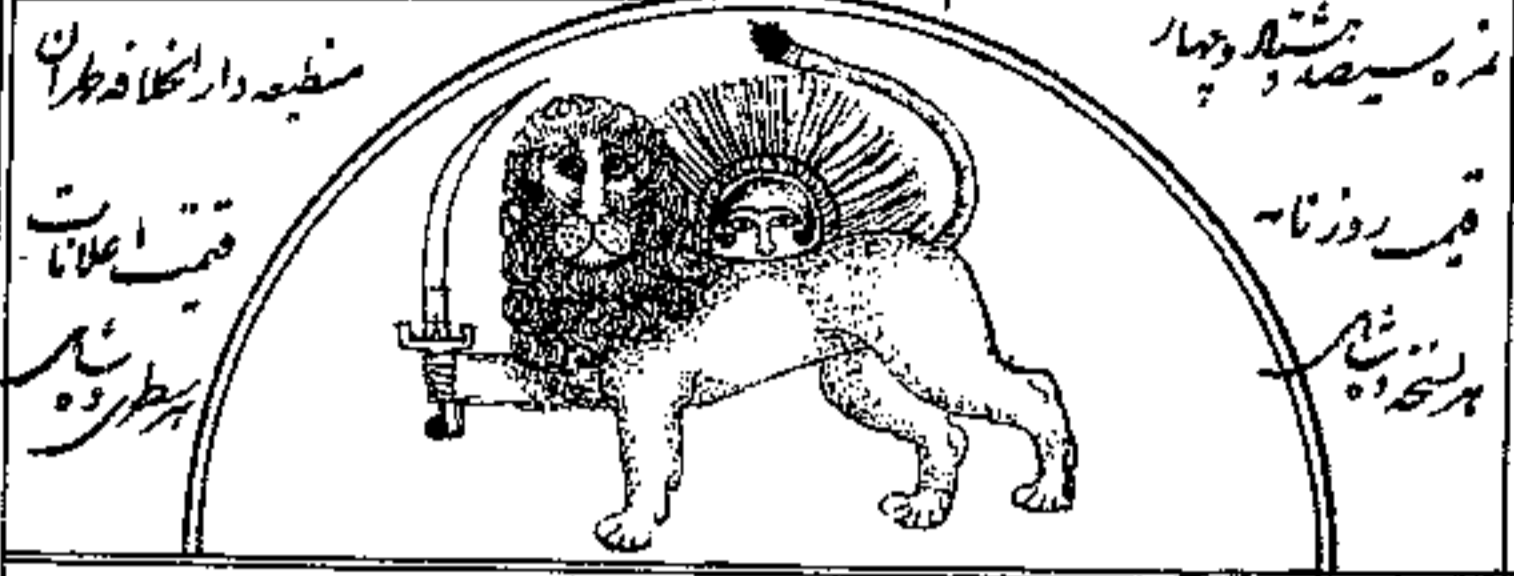
از قراریکه در روزنامه خسته نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت مقررب انخاقان چرخانی خان
قرین انتظام و بعضی و داد علیا و ترقی احوال آنها و انیت ولایت و انجام خدمات و دیوانی
کمال وقت و رسیدگی می نماید و عمرم اهل ولایت از حسن سلوک مقررب انخاقان شاران است
رضامندی و شکرگذاری دارند (دیگر نوشته اند که ریش سعیدان قرار غنی بکلونیزه انخاقان
چراغعلیخان آمده مذکور است که محمد تقی خان غنی بکلونیزه سوار خسته در سفر وفات یافته و پسر
صغیری از او مانده است استدعا داریم که مباشری دعات را که با مرحوم رالیه بود به سپردار
مانی و ماتکالیات دعات مزبور را داده مستعد ادای مالیات و نظم آنجا بشویم مراتب حقوق
دانی ریش سعیدان مزبور در تردد عالیجا پیش رالیه بسیار سخن فساد و اهنار سخن نموده بر حسب
خواستش آنها بقلعه داد که مباشری دعات مزبور با پسر مرحوم رالیه پیش و ریش سعیدان در عالیجا
دعات مزبور از بعضی کمال خرسندی را بهم رسانند (دیگر نوشته اند که چند روز بعد از عید
نوروز آب رودخانه رنجان سحبهی طغیان نمود که مدتی عبور ممکن نبود و بخیرینی که با رسال
مقررب انخاقان چراغعلی خان در سامان ارضی ساخته بود که عابرین از آنجا سالم می گذشتند از
جایای دیگر عبور سلامت بگیری شد چنانچه از کفی که از برابر دریا و رنجان باب زد و بسکله
بسی نفر سواره و یک نفر سوار آب برده هلاک شدند و از فروردین تقریر بران معترض وقت
آب رودخانهی رنجان باین شدت طغیان مکرده بود خصوصاً آب رودخانه قرزل اوزن
که درین سال زیاد از حد طغیان داشته است (دیگر نوشته اند که الهی فرید کرا راه برد
سایر رعایای دعات خالصه بنزد مقررب انخاقان چرخانی خان آمده مذکور است که قنات
مالو بسط سیلاب خراب گردیده و مالکین دعات همسایگان نیز آب رودخانه را از زراعات
ما مقطوع نموده و سببه کم آبی زراعت چندان از ستومی کرده ایم و الحال هم زراعت سستی نتواند
آب معدور مان بیش اغلب رعایا فرار کرده اند و اگر قراری در کارها داده نشود ما نیز رعایای
داخلن خواهیم نمود عالیجا پیش رالیه آنها را اطمینان و خاطر جمعی داده علی الحساب نتوانی از
خود با آنها داد که رفته قنات حوز الاروبه تبعه نموده و بدگر می و امیدواری مشول رعیت
در عیستی خود باشند تا بعد قراری در باب آب رودخانه که از آنها مقطوع کرده اند بگذارد و
سجاطر جمعی و امیدواری رفته مشول عینی خود شدند

۲۵۷۷

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده و نوشته میشود
 در باب نامه شدن جناب شل پلید سر فرمانان اردوی فرانسه سفارت لندن در روزنامه
 فرانسه معانی غریبی نوشته اند نظر بر آیات بعضی روزنامه های فرانسه استخاصی که در باب علیحضرت
 امیراطور فرانسه عقد سخن فساد میکردند مخصوص سیداکرون و در هر جا که باشند از محقق خودشان
 جبرایرون آوردن آنها از جانب قشون دولت فرانسه کرده کرده محضه های متعدده نوشته و بجا
 علیحضرت امیراطور فرانسه عرض و بیان کرده اند و استدعای اذن حصول مآذونیت درین باب
 خواسته اند و این گزارش هر طور بوده است مؤخرادر روزنامه رسمی فرانسه درج و اعلان گردیده
 و درین صورت باین عین کرد و این بعضی پروت صورت گرفته که دیده بجهت آنکه مخاندنست قهید و دفع این
 پروت که بجهت مقالاتی که در آن مکتون نموده جنابش را لیه سفارت لندن مأمور شده است ()
 بموجب مذکره رسیده و از هر دولتی بعد از وقوع کیفیت مذکور اعلان شد باین مضمون
 که س بقا کانی که از دول دیگر بفرانسه رفت آمد میکردند بپورت آنها از جانب دول مستقر
 خودشان داده شد بعد ازین گزارش این قرار سابق در دولت فرانسه لغو و موقوف گردیده
 باین است که هر کس از خارج مملکت فرانسه آمد و رفت میکند بپورت او از محلی که حرکت میکند
 باید از قونسول فرانسه که در آن محل مقیم است عوض شود و این گزارش چند وقت قبل ازین نشر و
 اعلان کرده بودند ولی این اصول جدیده بکلی مجری شده در این اوقات ازین استخاص بسیاری
 آمده و وقت داخل شدن شهر از جانب حکومت با آنها مساعدت شده و بان محالی که آمده
 بودند آنها را معاوضت داده و این گزارش را حال بار دویم است که در روزنامه رسمی فرانسه
 نشر و اعلان کرده اند () در این اوقات شخصی از این سکنی دنیا بلندن آمده و مذکور داشته بود که
 حیوان برقه حشری و نوسن کشی بوده با بطوریکه قطعا بخش و آزار یا و رسید در دو ساعت او را
 تربیت کرده آرام می نماید و بجهت اثبات دعای خویش از اسپهای علیحضرت پادشاه انگلیس
 اسپ را همان طور در ساعت آرام کرده و رفع تو سنی و سرکشی او را نموده است و درازای این
 تدبیری که اختراع کرده است از جانب جناب لاروپا رستن صدر اعظم سابق انگلیس و برین اعطا
 یا قصد عدد لیرار با و تکلیف کرده اند () بجز آنکه چند دفعه در روزنامه های فرانسه نوشته بود که کسی بزرگ که در لندن
 ساخته بود بجهت آن بپرازدن کل بود همین بعضی آلات و ادوات خنده و بهوت کشی تا خواستند بدین
 در این اوقات بان بهائی را بپرازدن خنده اند و در او خندانند که بظرف بینی وینار و این

۲۵۷۸

روزنامه قایم القایه پنجشنبه بیستم شوال المکرم بنی بوئنت ۱۲۷۴



اخبار واحد مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

نظر بر اینکه جناب جلالت آفتاب نظام الملک علی الدوام در خدمات جدید و مهمات معطر که از جناب سنی ایچوانب امه سس هایون اعلی حضرت شاهنشاهی صلوات الله علیه و سلطانه لعهده کفایت ایشان مقدر و محمول است کمال مراقبت و مواظبت را دارند و آلی از تحمل مشقت موجبات خوشنودی و نوجبات خاطر اقدس اعلی غفلت ندارند و بخصوصه در این روزگار اهتمامات جناب معزیه که در تصحیح محاسبات و تنقیح معاملات و تطبیق جمع و خرج و لایات مالک محروسه و اتمام کن بجهای دستور العمل هر یک از مالک در اول سال و تعیین تکلیف همه عمال و کارکنان دیوانی و نظم امور در ب خانه نواب مستطاب شرف ارفع و الا شاهزاده اعظم و لعهده دولت علیه با قضاای در اسم وزارت و پیشکاری که علاوه بر سایر خدمات در عهد دارند مطبوع طبع امه سس هایون اعلی افتاده بود لهذا محض اقامه دلیل کمال رحمت خاطر اقدس طوکا یک ثوب جبهه پولک دوز مخصوص فرد اعلی از طابلس خاص تن مبارک معطر ز و مزین تزیینات قیمتی و ثمن بافتن جناب معزیه الیه رحمت و عنایت فرمودند و این نوع القات خاص اعطای چنین جلالت کسان بها خاصه جناب معزیه الیه بود زیرا که در حق سایر چاکران بزرگ دربار دولت علیه تا بحال معمول نبود (مقررت انجا قایلین ذوالفقار خان مستوفی دیوان اعلی

و حاکم فرموده نظر بر اینکه ولایات متعلقه بخود را در کمال نظم و آسودگی نگاه داشته رعیت کمال رضایت از نظر سلوک و رفتار و مردم داری او داشته اینگونه رفتار و مردم داری او در خاک می هایون

۲۵۷۹

مستحسن مطبوع افتاد لهذا از حاشی بنی بخواهیم باین موزی یک قطعه نشان از مرتبه اول
 سیرتسی و یک رشته جامیل شرح که متعلق به آن منصب است با نظام کیوب جبهه زیر خلعت
 رحمت گردید (عالیجاه سید کرشمه معلم و سرهنگ توپخانه که حسن خدمت داشته و مهارت کامل
 او در تعلیم قواعد نظامی توپخانه و فنون دیگر مشهور و ملحوظ خاطر اقدس کانون شاهنشاهی و
 اولیای دولت علیه افتاده نظر بلیاقت و شایستگی او بموجب فرمان میر لعلعلیان مبارک عطا
 منصب جلیل سیرتسی نشان سرتسکی با جامیل مخصوص آن سرفراز آمد آذربایجان
 از فراری که در روزنامه آذربایجان نوشته اند امور انولایت از حسن مراقبت و کفایت توپ
 نظامی بنزاده چشم و الا بنا بر رکن الدوله العلیه اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان
 درین نظام است و مالی انولایت اسوده خاطر و مرفه الحال بدعای دوام دولت جاوید
 مدت علیه استمال دارند و نواب معزتی الیه هم دوزه در اطاق نظام نشسته بعضی و داد رعای
 و انجام همات دیوانی رسیدگی می نمایند (دیگر نوشته اند که بعضی ناکولات در این وقت
 بسبب اینکه تجاریچ پیردند ترقی کرده بود از جمله گوشت یکس هزار دینار و پیه که اخته
 یکس من هفت هزار دینار شده بود و مردم بچه گوشت و شمع و پیه و عسرت بودند نواب
 مستطاب رکن الدوله سواره با طرف امور فرمودند که در هر جا گوشت و پیه دارند موجود است
 شهریار درند و هم در آن روزها مختصین که رفته بودند از اطراف کوه سفید بیا راوردند و فصل کوه
 کمال و فور بهم رسانده و یکس من هزار مثقال بسی شاهی فروخته میشود و از جماعت قصابان
 گرفته شد که موافق سنو اتسابق گوشت را در هر فصل بزخی که معترض بود بفرستند (دیگر نوشته
 دو نفر عیبت روغن آورده فروخته و خواهانرا گرفته در ورز دروازه توپخانه حساب بخواجه حوزا
 میروند و حساب پول شتاب میگردند طاهر علی نامی از طرف محله خیابان لبر وقت آنها رسیده و جویا
 شده بود که چکنیده گفته بودند حساب پول خود را می کنیم و استباه داریم شما را لیست و با آنها
 کرده گفته بود چهار دینار کم گرفته اید یکی از آنها طلب چهار رفته طاهر علی بدیگری گفته بود که ما آنها
 خود را بکار و انرا بر اینجا سر است و اعتبار ندارد آن شخص ما را بکار و انرا برده مراجعت کرده
 بود که اخوند پولها را برده است و رفته است مراتب بعضی نواب رکن الدوله رسانده قدغن نمودند که
 عالیجاه میرزا نصیر که خدا باشی اخوند فروراید کرده خواه آنها را بگیرد با آنها رساندش را بید و تقصیر
 تا صبح سی نفر اخوند بان نشان آوردند و صاحبان خواه گفتند اینها بچه ام نیستند صبح صاحبان خواه

۲۵۸۰

باد و نقره های که خدا پاشی در روز و از آن آمده اخوند مزبور را دیده بودند که بدون می آید او را
 گرفته بجز نورناتس رکن الدوله آوردند خواه را بهما از او مسترد و لیساجانش تسلیم و او را
 تیبیه نمودند که کرمانشاهان از فرار یک در روز نامه کرمانشاهان نوشته اند نواتس
 عماد الدوله اما معنی میرزا حکمران کرمانشاهان و سرحداتت عراقین که از دربار حویدار ساجون
 بخت حکومت معاودت کرده بودند در ششم ماه شوال وارد بروج که شش فرسخی کرمانشاه است
 سه و پنج روز در آنجا توقف نموده در روز سیزدهم وارد شهر شدند و از جانب اعیان و اعظم و
 اشراف و معارف لوازم استقبال بعل آمده نواتس معزنی الیه اجازت ورود و هرشتی را اطلاع ده
 خواسته و التماس در باره آنها نموده بخواطف اولیای دولت علیه امید واری تمام دادند و
 نصر الله خان کلانتر چون در غیاب نواتس معزنی الیه در نظم و لایق و انجام خدمات دیوانی
 نهایت اهتمام را بعل آورده بود نواتس معزنی الیه یک طایفه شال کشیری با و خلعت دادند
 و دیگر نوشته اند که عالیجاه حاجی جعفر خان معمار پاشی که از جانب جناب جلالت آب مشرف
 امجد ارفع صدر عظیم مخنم مأمور تعمیر باطحات عرض راه عتبات عالیات بود در هر یک از باطحات
 مزبور بنا و عمل و مصالح بکار انداخته و در کمال استحکام خرابیهای آنجا را تعمیر نمایند و بواجب
 عماد الدوله در هر یک از باطحاته نفر آدم از خود گذاشته اند که هر چه بجهت بنایی و تعمیرات لازم
 باشد بیا نمایند و از برای آنها معظی حاصل نشود و نواتس معزنی الیه نهایت اهتمام را در این
 تعمیرات مزبور بجوی و زودی صورت تمام بیاید (دیگر نوشته اند که عالیجاه مقررت الحاقان ^{خان}
 سرتیب فوج کلیان که با فوج مأمور دارالدوله کرمانشاهان بود در عمارت باغ حاج کریم که
 در یک میدانی شهر است منزل نموده و فوج او همه روزه مشغول مشق میباشند و با کمال نظم
 و نواتس امیرزاده سرتیب فوج کلیانی و عالیجاه محسود خان سرتیب فوج زنگنه و عالیجاه ملک شیراز
 سرتیب فوج کرندی با فوج خود در شهر مشق میکنند و محمداقایی معتمد میرزا خداوردی ترجمان همه روزه
 مشغول مشق و تعلیم فوج مشق نواتس عماد الدوله اغلب اوقات خود بملاحظه و تماشای مشق فوج
 می آیند و هم چنین توپچیان متوقف آنجا همه روزه در میدان مشق حاضر شده عالیجاه فوج انب
 یا در توپخانه نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارد و عالیجاه مقررت الحاقان ناصر الله خان
 سرتیب با فوج قلعه پنجمی و کوران و سواره و یک عراده توپ در سربل زباب بجا رست طریق
 مشغول است و در کنار آب دیاله و قصر شیرین و قلعه سبزی همه جا مستحفظ گذاشته و زوار باطلینان عبور می نمایند

۲۵۸۱

دیگر از قراریکه نوشته اند چای پاراز در بار معدلت مدارهایون وارد شیراز شده و احکامات
دیوانی را رساند از جمله حکمی که در باب تقلیل تجلیات زیاده از لزوم نوکر باب علی قدر میزان
و تعمیر کلاه و لباس صادر شده بود نواب مستطاب مؤیدالدوله حکمران مملکت فارس و قزوین
عمده الامراء العظام شجاع الملک بحصول اکامی خود تعمیر وضع و لباس و نوکر بفراریکه از
در بار معدلت مدار مقرر شده بود دادند و کجیم صاحب منصبان نظام و عسوم نوکر باب
متوقف فارس قدغن نمودند که از انظار معمول دارند و بحق این قرار داد بسیار بحال اغلب نظام
و عمال نافع اند که تجل و نوکر و اوضاع خود را زیاده از اندازه شان خود و مواجب مقرری دیوان قرار داد
و باین واسطه بسیاری معروض شده بودند بعد از آنکه دیدند نواب مؤیدالدوله تعمیر کلی در اوضاع
خود دادند حتی براق اسب خود را ساده نمودند سایرین نیز بنا بر احوال امر اولیای دولت علیه و
تانی بنوآب معزنی الیه هر یک قرار نوکر و لباس و غیره خود را ماندازه شان و مرتبه آنها که مقرر
کرده بود دادند (دیگر نوشته اند که عالیجاه مرتضی قلیخان غلام شیخ مت جهری داشت که
اسبان او را خدمت میکرد در این اوقات او را جواب گفته بودند که ده مهر مزبور
و تعالی ده پانزده هزار دینار میسرود که از مواجب او باقی مانده و آقای او میگفت تا می بکنون
بتو قرار داده ام بدیم و ماه پناه داده ام او میگفت تا می دوارده هزار دینار باست بمن بدی
این مشاجره ما بین آنها بود مهر مزبور شی فرصت کرده و خود را بطول انداخته قسم الفار در میان
خمیر کرده با سب خاصه را الیه که صد تومان ارزش داشت داده اسب خورده و از با افتاده
شخص مهر بعد ازین عمل رفته در شاه چراغ بست نشست از او سؤال کردند که چرا این کار را
کردی جواب داده بود که او موجب مراندا من هم اسب او را تلف کردم) (دیگر نوشته اند
که در ایام ماه مبارک رمضان در بیوکات و سرحدات فارس باران بسیار خوب آمده
در بیت و سیم ماه مزبور از طلوع آفتاب الی دو ساعت از روز بالا آمده بارندگی کامل شده
و زراعت کاران این باران را باران چهل شش میگویند که از برای محصول بسیار نفع دارد
و رعایا ازین بارندگی که بوقت منوق آمد بسیار مشغوف و شاکر بودند) (دیگر نوشته اند که حاج
مقرب انخافان سلیمانخان قشقا میر بیچ که در بهمان بود در بیت و چهارم ماه رمضان المبارک
وارد شیراز گردید نواب مستطاب مؤیدالدوله جمعی از صاحب منصبان نظام و غیره را با
او فرستاده و با کمال احترام وارد شهر گردید و حضور نواب مؤیدالدوله رفته و نواب معزنی الیه

۲۵۸۲

انگهار بنام رضا مندی از حسن سلوک و رفتار مقرب انخاقان مشارالیه که در امور تهرانی
و کوه کیلویه بعل آورده و امور آنجا منظم و رعایا را راضی و خرسند داشته بود نمودند
و عمده الامراء العظام شجاع الملک مقرب انخاقان مشارالیه را بخانه خود منزل داده لوازم مناسبتی
و محبت را در باره او معمول میدارد (دیگر از هزاریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند امور انخاقان
ازین توجهات اولیای دولت علیه و محاسن مراقبت و اهتمامت عالیجا مقرب انخاقان احمد
در یابیکی و حاکم بوشهر و مضافات قرین انظام است و مقرب انخاقان مشارالیه در نظم و آباد
ولایت و رفاه حال رعیت و انجام مهمات و موجودات دیوانی بحال اهتمام را بعل می آورد و در
از مقرب انخاقان شجاع الملک خویش کرده بود که یک نفر سمار با بنجار و از نمایه مقرب انخاقان
مشارالیه نیز استناد عوض نام معاد را داد و نواز علما مان خود روانه کرده در یابیکی معاصر نور را
با چند نفر مفتی روانه شهابکاره نمود که در آنجا چند رشته قنات حفر نمایند که آنجا را بجهت زراعت
و عمارت و آبادی در سپاورد و هم چنین دراز و یاد آبادی خود بندر ابوشهر و سایر جاها بنا و
طرق و شوارع کمال سعی و مواظبت را بعل می آورد) (دیگر نوشته اند که در شب پنجم شهر شعبان
که شب عید نوروز و زین روز سلطانی بود مقرب انخاقان در یابیکی علمای اعلام و چاکران دولت آمد
فرجام و اعیان و تجار ولایت را چهار برج دعوت نموده و صیافت خوب کرده و در ساعت ششم
توپ انداخته حضار مجلس سلامتی وجود قایض ایجو و انگهار مسرت و شادمانی نمودند و در پنجم ماه نوروز
که روز عید بود مقرب انخاقان مشارالیه در سردرب چهار برج که مشهور بچهار فصل است نشسته و نظام
منووقت بوشهر از توپچی و سر باز و اعیان و معارف و تجار حاضر آمده علم شیر و خورشید دولت
علیه را شفقگشا نموده و بیت و یک تیر توپ شلیک کردند و ادای خطبه بنام حضرت احمد سقا یون
و احتشام بدعای بقا و از یاد دولت و شوکت روز افزون شده لوازم تهیت عید بطور شایسته
بعل آمده عید نوروز بجزئی منقضي گردید) (دیگر نوشته اند که عالیجا حسن خان ولد عالیجا باقر خان
سربنک تنگستانی و عالیجا میرزا اسد خان بر از جانی بوشهر آمده عالیجا حسن رضا خان ضابط
انگالی را که تا کنون بجهت خرابی و بی نظمی و بی ثباتی انگالی و متفرق بودن رعایای آنجا وزارت
در ولایت فراری بود سمره خود آورده مقرب انخاقان در یابیکی او را اطمینان داد که قرار
کارهای بنده اسبه و سنوا که گذشته را داده معنی المرام روانه انگالی شود که رفته در آنجا
مشغول جمع آوری رعیت و زراعت باشد

۲۵۸۲

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند ازین تو جهات اولیای دولت علیه حسن
 مراقبت نواب ستایش هزاده والا تبار لطف الله میرزا حکمران دارالمزمازندران امور اولایه
 از هرجهت قرین اینست و انتظام کامل و کمال آسایش و رفاه از برای رعایا و برابا حاصل است
 و نواب معزی الیه در نظم و ولایت و رسیدگی بعرض و داد و عیث و انجام خدمات و مهمات و نواب
 نهایت دقت و اهتمام را دارند تسخیر اجناس و ماکولات اولایت را از قراریکه نوشته اند
 پنج بوقر مازندران خرواری چهارده هزار دینار و شلتوک خرواری هفت هزار دینار و کهنم
 یکتومان و چون چهار دینار نان یک من دهه ای گوشت یکین هزار دینار و روغن یک من بی شاهی
 ماهی چهار قطعه ده شاهی شکر یک من دو هزار دینار ابریشم یک من چهار تومان و شاهی
 اجناس نیز ازین قرار است و هر چیزی و مورد داشته است (دیگر نوشته اند که امسال باخو
 در میان کادمای اولایت بروز کرده کا و بسیار لطف کردید و اهل زراعت زمینهای زراعت
 خشک و آبی خود را به اسب و ماده کا و شیار کرده بذقانی نمودند و جامای اولایت که
 گاه نشان ازین مرض سالم مانده و کمتر تلف شده است بلوکات کجور و ذور بوده است که بعضی
 بایها جزئی بروز کرده و در اغلب بلوکات تسبیح ظهورند داشته است) (دیگر نوشته اند که در باب
 بنانی قلاع مبارکه کنار فرضه و سرحد که بعد از اتهام عالیجا علیخان قاجار هفتادس مجول است
 نواب معزی الیه مراقبت و مواظبت تمام بعل آورده و عمل و مصالح کار آنچه لازم بوده متوالی حکمت
 عالیجا مشارالیه از اطراف جمع اوری کرده و روانه نموده اند و اغلب آن مکانها آنچه تا بحال
 ساخته شده در کمال خوبی و استحکام با تمام رسیده و باقی بناهای استجار اینز در کارند و غیرت
 با تمام خواهد رسید و عالیجا و مقرب انخافان محمد حسن خان پیکار اولایه برای رسیدگی و باز
 کارهای استجار در اوایل ماه مبارک رمضان المبارک حسب احکام نواب هزاده عزیمت کن فرضه و
 مزار نموده بوده است و همین امور کاخانه شکر ریزی نیز احسن مراقبت نواب معزی الیه تنظیم
 و در کار است) (دیگر نوشته اند شخصی شهودی در بده ساری بنای سرفه کرده است و
 محترم شهدار چند خانه اسباب سرفه کرده بود مستحقین او را گرفته خدمت نواب هزاده آورده
 بعد از تحقیقات لازم معلوم شد که بکرات مکتب سرفه شمرات شده است لهذا بوجب اظهار جناب حاجی
 طاعده الله محمد نواب معزی الیه او را است نموده حبس کردند

۲۵۸۲

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته میشود
 از قراریکه در روزنامه جریده اتحاد اسلامبول نوشته اند در کارخانهای کلیسای روم
 و مصر و بریه شام سال دوست میان وقیه که پانصد هزار هزار و از بوزن این ولایت با شصت
 پنج و اعمال میکردند بعضی از صرافان یکی دنیا در انگلیس کارخانهای علیحد میکنند که مخصوص
 باشد و این مقدار نیز که در کلیسای هرل مصرف میشود از یکی دنیا بان کارخانها برده پنج و اعمال
 نمودند و باین جهت یک کارخانهای ریمان رسی و قس باقی انگلیس خالی و بی رونق ماند و بجهت
 و زمی پنجه یکی دنیا که منوجات آن رجحان بمال سایر ولایات دارد بازار کارخانجات دیگر
 شد صاحبان کارخانها در شهر مخیر انگلیس که مجمع صنایع آن ولایت است بجهت رفع ضرر آتیه این معی
 جمع شده و در میان خود قومیانیه قرار دادند که در هر ولایت که بناست آب و هوا از تخم پنجه
 مانند پنجه انولایت بعل می آید بفرستند بکارند و بعل پا و درند و مصارف نفعیه آن از جانب قومیان
 مزبور داده شود و بقیه مناسب اتباع شده در کارخانها مشغول پنج و اعمال آن باشند از جهت
 بحال مناسبه ممالک عثمانیه تخم پنجه یکی دنیا را بجانا فرستاده اند و قارلتون نام وکیل قومیان
 مزبور بجهت این کار با اسلامبول آمده و تخم پنجه یکی دنیا را آورده بعد از حصول اذن از اعلیحضرت
 سلطانی در باب کاشتن آن در ممالک مناسبه عثمانیه رساله ترکی العباریه در خصوص وضع کار
 و بعل آوردن آن نوشته و صد هزار نخه از آن چاپ کرده است که هر کس و هر محال که از آن تخم
 یک نخه هم ببرد که وضع کاشتن آن را از روی آن نخه دستور العمل نمایند و علی الحساب بجهت
 بروسه دولیت و مقدار پنج چلیک تخم پنجه مزبور در سال شد و هزار و پانصد چلیک دیگر بفرستند
 خواهد شد (دیگر نوشته اند که در سیزدهم ماه رمضان المبارک در بروسه حرکت ارضی
 شدید اتفاق افتاده ولی ضرر و خرابی روی نمود و هم در آن روز در ساعت نه در اسلامبول هم
 فی الجمله زمین حرکتی کرد ولی ضرری مشاهده نشد و هم در اوایل ماه مبارک رمضان نوشته بودند
 که در اسلامبول چند روز است که آثار برودت ظاهر شده و در خوجه بیک و آن اطراف بر
 زیاد باریده بود) (دیگر نوشته اند که از کشتیهای قومیانیه مجیدیه کشتی سنجار سوش نام همی
 و ایشیا حمل نموده از اسکندریه با اسلامبول می آمد در لکرگاه با فو لکر اذ اخته بود و در شب ششم ماه
 شعبان طوفان شدیدی در آنجا ظاهر کرده از کشتیهای دولت عثمانیه کشتی طونه نام با دو کشتی
 فرانس در ظهور این طوفان از لکرگاه پروان شده بمیان دریای قسطنطنیه و کشتی سوش نام

۲۵۸۵

هر طور بوده است و سه لشکر تیرگشتی مزبور علاوه کرده در آنجا لشکر انداخته و وقت نمود بعد طوفان شدت
 کرده لطافت امواج کشتی را بکل نشانده و دویست و چهارصد و زنده اشیا و دو نفر قهرمان اول و دوم
 فرانسسه و سه نفر هندس و سه طایفه و دو کیل قومپانیه و چند نفر سیاح از اهل ساردینه و ایتالیا و یونان
 غرق و تلف شده مابقی سبب اصل سلامت بزور آمده اند (و هم چنین نوشته اند که از کشتیهای
 دولتی عثمانیه کشتی بخاری بجزی نام سصد نفر سیاح و بعضی اشیا حمل کرده از سلاویک با
 می آمد در جزایر قلعه سلطانیه در یک محلی بکل نوشته درین بین از کشتیهای دولتی ایضا کشتی با
 نام باکشتی فیض باری نام که از هر سینک معاودت کرده بود و کشتی مزبور پر خورده سیاح و اشیا
 کشتی مزبور را با سلامبول آورده و کشتی را نیز خلاص کرده بودند) (دیگر نوشته اند که از کشتیهای
 قومپانیه لوئید استریه کشتی بخاری فرزند نام از وارنده با سلامبول می آمد در دماغه مناسه شکل
 کیفیت بواسطه تلفات با سلامبول اجبار شده کشتی بخاری مخصوص سفارت استریه با یک کشتی دیگر
 که در سلامبول بود با بخاری ارسال شده و کشتی مزبور خرابی و شکستگی روی نداده بود و اسباب
 از آنجا کشیده بوارنده آورده بودند و سیاح و اشیا و کشتی بخاری پر سود نام با سلامبول
 (دیگر از قراریکه از روزنامههای استریه در جریده ایحوادث نقل کرده بودند در ایام سصد و پنجاه
 قبل ازین از جانب دولت استریه در احکام شهروینه که پای تحت اند دولت است اقدام
 و در مدت صلح سانت سور و احکام آن با تمام سیده بعد از آن رفته رفته کثرت و جمعیت
 آن شهر و باز دیاد نهاده و بجهت کثرت نفوس درون شهر کنجایش نه است اغلب سکنه بخاری
 در خارج سور خانهها ساخته و بکنی نمودند و هیت اراضی و اوطان داخل شهر زیاد کران بهایش
 و بالعکس اراضی و اماکن بیرون شهر بسیار از آن داد و ستد میشود در چند وقت قبل ازین
 در بودن سور و برج و بدنه وینه لزومی ندیده قرار گذاشت که سور شهر را خراب کرده و خندق
 از آنجا ساخته خارج و داخل شهر هم متصل نماید و بجهت این کار در اوایل میان صد هزار عمل
 انداخته و مشغول اندام سور آنجا شده اند) (دیگر از روزنامههای ایتالیا نوشته اند که بسبب
 اورسینی نام ایتالیائی که قصد اعطای بیعت امپراطور فرانس را نموده بود با بچه امانی ایتالیا اطراف
 و خزن نموده بودند در این اوقات در اغلب بلاد ایتالیا که قانون آزادی متداولست بنام اورسینی
 قرار دادند سکنی از بابت افتخار ترسیده مکرر و مضروب نمایند که یاد کار او باشد

۲۵۸۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور ۱۲۷۴

| | |
|---------------------|----------------|
| منبعه و اصلاح طهران | مرید و شاد و ج |
| قیمت اعلانات | قیمت روزنامه |
| برطرد | برنخده |

اخبار واحد ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این اوقات هوای دارالخلافه طهران گرم شده و سیلاب نیاوران مطلوب و مطبوع خاطر افروز
 بایون شاهی خلد الله علیه و سلطانه بود لهذا بقانون هر ساله در روز یکشنبه غزه از دارالخلافه
 مبارکه حرکت فرموده امنای دولت علیه و مقرمان حضرت کردون بسطت سینه و سایر خدمت و
 در رکاب فیروزی انتساب بودند افواج ثلثه قره‌سین و فوج مراغه و سواره چهاردولی که از حضرت
 مراجعت کرده بودند در بالای باغ لاله زار در مجرب موکب بایون صف نظامی در کمال شکوه و آراستگی
 نشیده بنظر مهران ملوکانه رسیدند در وقتیکه جناب مستطاب صدارت عظمی هم مقرر حضور بایون
 بودند ملاحظه سرباز و سواره مزبوره را فرموده مقرب انجاقان خان باباخان سرسپه افواج قره‌سین
 و عالیجاه اسکندر خان سرسپه فوج مراغه و عالیجاه پرویز خان سرسپه سواره چهاردولی و سایر
 صاحب منصبان و مسوم آحاد و افراد سرباز و سواره مورد احترام و عنایات خرد وانی گردیده
 و آنها خوشنودی خاطر بایون از خدمات و زحمات آنها فرموده بهر فوجی یکصد تومان انعام مرحمت نمودند
 و از ابتجائیه رفی فرمای عمارت نیاوران شدند (عمل تخراف که یکی از اعمال عجیبه و اختراعات
 غریبه حکمای عظیم است طبعی است قریب پنجاه سال است که پیدا کرده اند و متداول نموده اند و از
 این خاصیت خفیه معلوم نموند که در صنایع و کمالات تا چه حد ترقی و تکمیل حاصل شده است
 اگرچه این حکمای بزرگ بواسطه اختراع این صنعت نام نامی خود را مشهور و معروف کردند لکن حکیم
 بیل المانیائی که پس از زحمات بسیار و سعی بی شمار معلوم کرد که با یک سیم نیز میتوان عمل تخراف را
 بجا آورد و بعضی سیم دیگر زمین را بکار برد اسم خود را در تواریخ برقرار و در روزگار یادگار گذاشت

۲۵۸۷

و در اکثر بلاد مالک اور و پان صنعت عزیزت شایع نگردد مع هذا چون در قرار دادن زمین بعضی
 یک سیم هم در رسیدن قوه الکتریسیته که عبارت از قوه صاعقه باشد لطیفان حاصل است و هم
 مخارج تلفات کم میشود و عالیجا به سید کریشن معلّم و سیرت نو پنجاه مبارکه که تقریباً یک با دو سیم
 حال با یک سیم درست کرد و بعضی یک سیم دیگر زمین را قرار داد و در عصر روز سه شنبه شب پنجم
 ماه گذشته جناب جلالت آب اشرف افخم صدر عظیم مدظله العالی با طاق نقاشن خانه توجّه نمود
 چند فقره سؤال در میان آمده از باغ لاله زار جواب درست معروض داشتند و بسیار موافق
 طبع جناب جلالت آب اشرف اتفاق افتاده بنواب ستیاب والا اعضاء سلطنت شاهزاده علی میرزا
 که در تکمیل این علوم و صنایع و تقویت امور مصلحتین مدبرانه تمام تمام نموده اند نهایت تحسین و توجّه و
 التفات بطور آردند و عالیجا به موسیو کریشن التفات و توجّه و تحسین بسیار فرمودند که معلّمی را
 و درست و عالم و کامل است و شایسته التفات و بشارتیه و شاکردان او انعام حمت فرمودند
 (امور نظم و اصلاحه مبارکه بحسن مراقبت و رعیت داری نواب اشرف والا سنا هزاره افخم محمد علی
 حکمران دارالخلافه و کفایت و کارگذاری مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر منوط و مربوط است خصوصاً
 در غیاب موکب همایون که از جانب اولیای دولت علیه سفارشات آئیده در حصول ائتیم و
 اسودگی رعیت می شود بیشتر مراتب مراقبت و مواظبت را معنی و معمول میدارند در این اوقات که موکب
 همایون بی بیلاف بنا و در آن حرکت فرموده و ایام تابستان را در آنجا تشریف دارند نواب معری الیه
 روزنامه را در دیوانخانه عمارت خورشید می نشینند و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر و عالیجا
 کلانتر و کدخدایان و سایر کارگذاران و عمال دیوانی حاضر خدمت بوده بعضی و در عیال و نظم
 ولایت و انجام مهلت دیوانی می پردازند و کمال مواظبت را در هر باب بعمل می آورند و اگر احیاناً
 یا شرب و شکر است اتفاق بیفتد بعضی نواب شاهزاده رسیده مرتب مورد تمسّیه سیاست میشود
 از جمله چند نفر از الواط و اشرا که مصدر شمشیر تجوی و هرزگی شده بودند آنها را گرفته بحضور نواب
 شاهزاده آوردند و هر یک را جزوقصیر در دیوانخانه تمسّیه شدند و یکی از بهمن الواط که روزی تمسّیه
 شد شبانه با دو پنجاه مرحوم حاجی عبدالکریم بزدی رفته بود مجدداً دستگیر شد و بالفعل محبوس
 تا در تانی حکم سیاست او شود (دیگر در روز حرکت موکب همایون از دارالخلافه نظر بحسن اعتماد و کمال
 شایستگی مقرب الخاقان حسنعلی خان سریت کردی و خیرالاجودان خاصه حضور همایون اولیای دولت
 علیه در اسب است عمارات همایون شاهنشاهی و خیرین و حفظ ارک و سر بارزخانه های شهر بیرون

۲۵۸۸

و رسیدگی بسیار مور متعلقه بنظام در دار الخلافه مشهور فرمودند که در عمارت باغ متعلقه بحساب
 جلاله آیت شرف امجد ارفع صدر عظیم مجتسم در ارک مبارک نشسته با کمال دقت و نظر با موی
 نظامیه و لوازم خدمات محوله بخود برود و مقرب انخاقان مشایخ نیز بحساب المقرر معمول در
 با صاحب مضبان نظام در عمارت مذکور نشسته با مورتو کر با ب و ارسای بنمایند و اگر ما بین عبت
 اهل نظام و سایر بزرگان با کوفتونی اتفاق بیفتد باستصواب مقرب انخاقان میرزا موسی قطع و فصل
 بنمایند (اخراج قاهره متوقفه دار الخلافه مبارک که از توپچی و سرباز و سواره نظام که همه روز
 مشغول مشق نظامی بودند نظر بگری هوا و تقه ملوکانه در باره آنها در روز شنبه سیم امر و معبر
 که در این اوقات از مشق کردن معاف و لوازم قراولی و حفظ قراول خانها پرداخته چندی از
 مشقت مشق آسوده باشند) (اجناس و مالکولات سجد الله در این اوقات در دار الخلافه
 حیوانات و میوه جات هر چیزی کمال و فوز را داد و حاصل جو در این تازه بست آمده است و وقت
 در و کذم نیز نزدیک است بعضی چیزها از قبیل چوکا و ویمه و ذغال و برنج و غیره که فی السجده
 داشت درین روزها متزل کفی کرده است و شاء الله روز پروز از انتر خود باشد) (میرزا
 حاجی حسنی خان پیشکار قدوس که در عید نوز و سلطان فی مدبر باره جاندارهایون آمده و شرف
 سینه و عتبه علیه شده از اوقات تا کنون در دار الخلافه مبارک بود و در روز شنبه سیم از حاج
 مبارک شاهنشاهی صان الله ایام شوکت عن التامی و حضور جناب مستطاب صدارت غنطی اذن مرخصی
 حاصل نموده روانه قدوس بود از جانب سنی ابجواب ملوکانه یک ثوب جنبه ترمه کشمیری مقرب
 مشایخ و یک طاقچه شال ترمه و یک ثوب قبای زری لعل ایچاه حاجی احمد آقا برادر مقرب انخاقان
 که مسرا او در دار الخلافه مبارک بود خلعت رحمت گردید او را با سیحان از قرار یک در روز
 دار السلطنه تبریز نوشته اند انور اولیات از حسن مرامت و کفایت ذوات مستطاب شاهزاده
 و محتم و الایبار کن الدوله اخلیه حکم ان مکتب آذربایجان قدس هیئت و انتظام کلل است و سایر
 کارکنان و چاکران عن دیوانی هر یک در انجام خدمت و اموریت محوله بخود نهایت اهتمام
 بعمل می آورند و هر روز در منازل و رب خانه حاضر شده بفیصل امور متعلقه بخودی پردازند) (بیکر
 نوشته اند که یک نفر از معتزین اسکوه بدل نام که باشد در قتل حاجی محمد رحیم اسکونی بود در این
 اوقات در شهرت رسیده است و حسب حکم ذوات مستطاب رکن الدوله العلیه محبوس گردید
 که بعد موافق عدالت حکم آن بشود

۲۵۸۹

از قرار یک در روزنامه خوی نوشته اند امور اولایت احسن اهتمامات و مراقبات کافی ذابک می باشد
والا محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس منظم و مضبوط است و در نظم و امنیت بلده و بلوکات و طرق
شوارع و سرحدات و انجام خدمات و قنات دیوانی بحال اهتمام را علی می آورند (دیگر نوشته اند)
که فوج ماکونی که حسب الامر اولیای دولت علیه احضار در بار جهاندار کالیون شده بود عالیجاه حاجی پاشا
برادر عالیجاه محبت مسره پور پاشا سرتب در نهم ماه مبارک رمضان سینه جمع آوری و حرکت دادند
فوج مزبور وارد خوی گردیده نواب والا محمد رحیم میرزا بمقترب حضرت العلیه میرزا فضل الله پیکار توانا
قدغن و تکیهات آگیده نمودند که تدارکات لازمه فوج مزبور را دیده تا آخر ماه مبارک رمضان
جمع موزمانت آنها را مهیا نماید که بعد از عید فطر روانه تبریز شوند (دیگر نوشته اند که مراد علی پاشا
که از خله اشرا و قطاع الطریق مشهور بود و نواب مستطاب رکن الدوله العلیه حکمران خلکت آذربایجان
بنواب محمد رحیم میرزا نوشته بودند که او را گرفته روانه تبریز نماید نواب معزتی الیه اورا از سلماس
گرفته محبوب سجوی آورده بودند در این اوقات او را بیجا سلطان صاحب منصب فوج ماکونی سپرد
قبض رسید گرفتند که مسراه فوج به تبریز برده بجا که اران نواب رکن الدوله سپارد (دیگر
نوشته اند که عالیجاه نوزاد الله خان که حسب الامر اولیای دولت علیه ناموریت خدمت داشت
سجوی وارد گردیده نواب محمد رحیم میرزا امضای حکم مشار الیه را داده و نسبت با و التفات نموده
یکم قشال ترم خلعت دادند و در پیشرفت خدمت او اهتمام نمودند که بدگر می و مسید واری مثل
انجام خدمت محوله بجا باشد) (دیگر نوشته بودند که در ایام ماه مبارک رمضان سینه
هر روز بارندگی در خوی و بلوکات می شد خصوصاً در شب و یکم ماه مزبور از نظر انی شش ساعت
از شب گذشته باران شدید آمد که فی بعضی خرابی به بعضی دیوارها و خانهها رساند ولی بجهت
سیار نافع و بوقع بود) (دیگر نوشته اند که در ایام ماه مبارک رمضان علما و فضلاء و هیات
اشراف و عموم خلق در مساجد و معابد بناز جماعت و ادکار و اورا و دعا کونی ذات آقدس تعالی
شایسته خلد الله علیه و سلطانه اشتغال داشتند و امور کرمه و مستحفظ شهر و محلات با تمام
محمد رحیم میرزا منظم و مضبوط بود چون در ایام اولیای ماه مبارک رمضان که اغلب مردم در مساجد
جمع میشدند و خانهها خالی مانده در زمان فرصت سمرقت میکردند انتظام امر کرمه و مستحفظ زیاد تر از
اوقات لازم بود نواب معزتی الیه که بقیه مراقب نظم و امنیت ولایت هستند در آن اوقات بیشتر ملاحظه
و سمرقت بیوجه اتفاق نیفتاد

۲۵۹۰

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند رودخانه مشهور بقرا آقاج از عرض راه بندر ابوشهر
از جلگه خانه رنجان عبور میکند و آمده از بصلوی کاروانسرای مشهور پنج راه دارد واقع در دو
میکند و در نزدیکی رباط مزبور پی در روی آب بود و خراب شده نیم فرسخ بالاتر از آن معبری
کرده بودند و عابریین از آنجا بصورت عبور میکردند و احوالنا در وقت شدت آب مال و آدم
می شد و بسبب خرابی بل مزبور هم نیم فرسخ راه عبور دور شده بود و هم که شستن از آن معبر خراب
از مخاطره نبود در این اوقات مقرب انخانان میرزا ابوالحسن خان مشیر الملک برای حصول یکنواختی
و وعای خیرجه ذات اقدس عالیون شامشاهی صان الله ایام شوکه عن لبتناهی هزار تومان از خود
داد و بنا و عمده فرستاده است که بل مزبور را از شالیده در کمال استحکام تعمیر نموده بازند
یک بل جدید نیز در یکی از معابر نزدیک آنجا بنازند که عابریین و مترادین باستانی عبور و مرور نمایند
(دیگر نوشته اند بندر عباسی و توابع آن درین اوقات بیشتر از سابق سجات آبادی و عمارت
و زراعت آمده و محصول زیاد از شتوی و صیفی در بلوکات و توابع بندر مزبور زرع کرده اند
و حاصل نیز بسیار خوب لعل آمده محصول شتوی را برداشته اند و تخمات آن صفیحات نیز
امسال بسیار خوب مایه آورده است و چهارات و قوافل زیاد با بنجا عبور و مرور می نمایند و مالی
انجا از شیخ سعید حاکم خود کمال رضا سذر ا دارند و بندر مزبور و توابعات انجا را در نهایت
انتظام دارد و طرق و سوارع بندر مزبور آنچه بصورت لار است کاهی قطع الطریق بهم میرسد و بل
آنچه بصورت کرمان است ایست و انتظام داده قوافل و عابریین با سودگی و اطمینان عبور و مرور نمایند
و از قراریکه نوشته اند جناب سعید ثوبنی امام مسقط در این اوقات بنای آمدن به بندر مزبور در آ
و هم چنین بلوکات جرم و قیر و کارزین و جویم و پید شهر و ارباب و نیز ابوالحسنی مقرب انخانان
میرزا نعیم لشکر نویس باشی فارس هم زراعات شتوی و صیفی بسیار شده و خوب مسم لعل آمده
و تخمات انجا نیز بار زیاد آورده و رعایا از بعضی کمال خوشوقتی را داشته اند و عالیجاه سرز
علی محمد خان در انتظام امر بلوکات مزبور کمال اهتمام را بعمل می آورد و مالی آن صفیحات نهایت
از حسن سلوک مشارالیه داشته اند و هم چنین بلوک فیروز آباد و خنج افروز ابوالحسنی مقرب انخانان
محمد قلیخان اینجانی نیز از مراقبت و اهتمام عالیجاه مشارالیه بسیار مطمئن و مضبوط است آنچه در
ابیت بسیار خوب لعل آمده و آنچه دینی است بجهت کم آمدن باران در آن صفیحات با نذر آفتی

۲۵۹۱